

نکته‌ای درباره چند بیت عربی در امثال و حکم دهخدا

(داستان گرگ و بره: عربی، ایرانی، فرانسوی، یا یونانی؟)

وحید سبزیان پور*

نکته قابل تأمل این است که این ابیات علاوه بر دیوان ربیعة الرقی، در گذشته ۱۹۸ هـ، (۱۴۰۴: ۱۱۱) در دیوان مجنون لیلی، در گذشته ۶۸ هـ، (۱۴۱۰: ۷۵) نیز آمده، که بیش از یک قرن قبل از ربیعة الرقی زندگی می‌کرده است.

با توجه به این که مجنون لیلی بیش از یک قرن قبل از ربیعة الرقی و لافوتن بیش از ده قرن پس از آنها می‌زیسته، سؤال این است که این مضمون عربی است؟ ایرانی است؟ و یا فرانسوی؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است کمی به عقب برگردیم: قدیم‌ترین ریشه را برای این داستان در افسانه‌های ازوپ (ازوپ، ۱۳۷۳: ۶۱) که ۶ قرن قبل از میلاد می‌زیسته می‌بینیم:

گرگی با بهانه‌جویی از بره‌ای به او گفت: تو آب رودخانه را گل‌آلود کرده‌ای. بره گفت: من از پایین رودخانه آب خوردم نه از بالا، چگونه آب را گل‌آلود کرده‌ام. گرگ گفت: سال گذشته پدر مرا از خوردن آب محروم کردی. بره گفت:

من در آن زمان از مادر زاده نشده بودم. گرگ گفت: تو در جواب دادن در نمی‌مانی ولی من در هر حال تو را می‌خورم.

این احتمال که لافوتن مضمون فوق را از ازوپ گرفته باشد، کاملاً عقلانی و منطقی است، اما باید دید که چرا دهخدا این ابیات را ترجمه اشعار فارسی دانسته است. احتمالاً منبع دهخدا در انتساب این ابیات به ایرانیان، محاضرات راغب بوده است زیرا راغب اصفهانی (د. ۵۰۲ هـ) در کتاب محاضرات الادبا (راغب، ۱۴۲۰: ۷۶۳/۲) در ذیل عنوان «ابیات منقوله عن الفارسیة» این ابیات را از شاعری به نام ربیعة الرقی از ترجمه‌های فارسی به عربی دانسته است.

به درستی معلوم نیست که راغب بر اساس چه منبعی این

دهخدا در امثال و حکم (۱۳۵۲: ۱۸۹۴/۴) پس از نقل ابیات زیر، بدون هیچ شرح و توضیحی نوشته است: ربیعة الرقی. منقول از فارسی.

فأنت كذّاب السوء إذ قال مرة
لعمر وسة، والذئب غرثان مرملة
أ أنت التي في كل قول سببنتي؟
فقالت: متي ذا؟ قال: ذا عام أول
فقالت: ولدت العام بل رمت غدرة
فدونك كلني لا هنا لك مأكلا! ١

ترجمه: تو مانند گرگ بدکاری هستی که روزی در حالی که گرسنه و بی‌توشه بود به بره‌ای گفت: «آیا تو همانی که مرا دشنام داده‌ای؟» [بره] گفت: «چه وقت؟» [گرگ] گفت: «سال گذشته». پس [بره] گفت: «من امسال به دنیا آمده‌ام؛ تو فریب به کار بسته‌ای. پس مرا بخور که از گلویت پایین نروم!»

این ابیات در مجمع‌الامثال (میدانی، ۲۰۰۳: ۳۷۸/۱) نیز بدون اشاره به ریشه و خاستگاه آن فقط ذکر شده است.

مهدی محقق (۱۳۸۶: ۳۳) برای نشان دادن تأثیر فرهنگ‌های مختلف در یکدیگر می‌گوید: «و یا داستان گرگ و بره را که ... عیناً در شعر لافوتن^۲ شاعر قرن هفدهم میلادی به این تعبیر:

Et je sais que de moi tu medis lan passe
Comment Laurais – Je fait si je netais pas ne ?

دیده می‌شود، پیش از او آن را در شعر ربیعة الرقی شاعر عرب در قرن سوم می‌بینیم:
أ أنت الذی ...

* استادیار دانشگاه رازی

۱. برای اطلاع از تأثیر این مضمون در اشعار ایرج میرزا نک: سبزیان پور، ۱۳۸۷: ۱۸۸.
۲. لافوتن، ژان دو (۱۶۲۱-۱۶۹۵) شاعر مشهور فرانسوی است که شاکار وی داستان‌های منظوم از زبان حیوانات است که عمدتاً مأخوذ از داستان‌های ازوپ است. نک: مصاحب، ۱۳۵۶، ذیل لافوتن.



ابیات را ترجمه اشعار فارسی دانسته است ولی از قراین معلوم می‌گردد که این مضمون قبل از اسلام، در ایران شناخته شده بوده است، زیرا انوشیروان در پاسخ به این سؤال که فرومایگی چیست؟ می‌گوید:

قیل: فما محض اللؤم؟ قال (انوشیروان): التجنی. بمنزلة الذئب الذی همّ بأکل السخلة لعامها فقال لها: أنت شتمتی عام أول (ابن مسکویه، ۱۹۵۲: ۵۲)

گفته شد: فرومایگی محض چیست؟ گفت: جنایت. مانند گرگی که قصد خوردن بره یک‌ساله را کرد و به او گفت پارسال به من دشنام داده‌ای.

آنچه جای تردید ندارد، شهرت این مثل در ایران باستان است زیرا از یک سو راغب آن را از سخنان ایرانیان دانسته و از دیگر سو در منابع عربی از انوشیروان نقل شده است.

در مجموع به نظر می‌رسد قدیم‌ترین منبع این حکایت داستان‌های ازوپ باشد که به اشعار لافونتن نفوذ کرده است. از دیگر سو در داد و ستدهای فرهنگی ایرانیان و یونانیان، به ایران باستان هم انتقال یافته و در دوره عباسی از طریق ترجمه متون پهلوی به زبان عربی وارد شده و به این سبب برخی صاحب‌نظران از جمله راغب و به تبع او دهخدا، منشأ آن را ایرانی دانسته‌اند، البته احتمال نفوذ این اندیشه از ایران باستان به یونان نیز کاملاً منتفی نیست.^۳ در زبان فارسی ضرب‌المثل «روی یخ‌گرد و خاک نکن»^۴ شکل دیگری از تأثیر این مضمون در فرهنگ و ادب ایران است.

این داستان را نقولا ابوهنا (۱۹۹۵: ۱۰) و محمد عثمان جلال (۱۹۷۸: ۴۴) از شاعران معاصر عرب، به زبانی ساده و شیوا به رشته نظم کشیده‌اند. همچنین، نیر سعیدی نیز این حکایت را به فارسی منظوم کرده است. برای اطلاع بیشتر در باب تأثیر این مضمون در اشعار ابوالعلاء معری، نک: حلبی، ۱۳۷۳: ۶۱.

منابع:

ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد، ۱۹۵۲. الحکمة الخالدة،

تحقیق عبدالرحمان بدوی، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية. ازوپ، ۱۳۷۳، افسانه‌های ازوپ، ترجمه دکتر علی اصغر حلبی، چاپ دوم، تهران: انتشارات اساطیر.

انجوی شیرازی، ابوالقاسم، ۱۳۵۲، تمثیل و مثل، تهران: انتشارات امیرکبیر.

حلبی، علی اصغر، ۱۳۷۳، پانویست بر افسانه‌های ازوپ. نک: ازوپ. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۵۲، امثال و حکم، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

الراغب الاصبهانی، ۱۴۲۰، ابوالقاسم حسین بن محمد، محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلغاء، حقه و ضبط نصوصه و علق حواشیه عمر الطباع، بیروت: شركة دار الارقم.

ربیعة الرقی، ۱۴۰۴، الادیوان، یوسف حسین بکار، بیروت: دار الاندلس.

سبزیان پور، وحید، ۱۳۸۷، «مضامین شعر و ادب عربی در دیوان ایرج میرزا»، فصلنامه علمی و پژوهشی کاوش نامه، سال نهم، شماره ۱۷، پاییز و زمستان، صص ۱۵۴-۲۰۸.

عثمان جلال، محمد، ۱۹۷۸، العیون البواقظ فی الامثال و المواعظ، تحقیق محمد بحیری، الهیئة المصرية العامة للكتاب.

مجنون لیلی، ۱۴۱۰، الادیوان، دراسة و تعليق يسرى عبدالغنى، بیروت: دار الکتب العلمیة.

محقق، مهدی، ۱۳۸۶، تحلیل اشعار ناصر خسرو، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

محمدی، محمد، ۱۳۷۴، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام، چاپ اول، تهران: انتشارات توس.

مصاحب، غلامحسین، ۱۳۵۶، دائرةالمعارف فارسی، ج دوم. المیدانی، أبو الفضل، ۲۰۰۳، مجمع الأمثال، تحقیق و شرح و فهرسة: الدكتور قصی الحسین، منشورات دار و مكتبة الهلال، بیروت: الطبعة الاولى.

نقولا، ابوهنا، ۱۹۹۵، امثال لافونتن، تحقیق و تقدیم حسن عاصی، بیروت: دار المواسم.

■

۳. دلیل ما بر این احتمال، وجود قرآینی است که نشان می‌دهد برخی اندیشه‌های ایرانی به یونان باستان منتقل شده است؛ برای نمونه ابن خلدون می‌گوید: «بعضی را گمان بر این است که فلسفه از ایران به یونان رفته است.» نک: (محمدی، ۱۳۷۴: ۲۰۹)

۴. در امثال ایرانی آمده است: گرگی به دنبال بهانه از بره‌ای بود تا او را بخورد؛ چون هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای خوردن بره نداشت به او گفت: تو بر روی یخ گرد و خاک کرده‌ای! برای تفصیل بیشتر، نک: انجوی، ۱۳۵۲: ۱۰۰.